

بررسی ارسال‌المثل و تمثیل در دیوان اشعار کلیم کاشانی

محمد میر*، مهدی جوان‌بخت**

چکیده

این پژوهش قصد دارد که میزان و نقش کاربرد دو صنعت ارسال‌المثل و تمثیل را در دیوان اشعار کلیم کاشانی از شاعران معروف سبک هندی بررسی کند. ارسال‌المثل و تمثیل از جمله صنایع ادبی هستند که در سبک هندی به سبب کاربرد زیاد به صورت ویژگی سبکی درآمده‌اند، کلیم کاشانی در اشعار خود کوشیده است تا با استفاده از عناصر بیانی و به‌ویژه ارسال‌المثل و تمثیل بر حسن تأثیر و زیبایی کلام خود بیفزاید. از این رو، در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته، بسامد این دو صنعت ادبی نسبت به آرایه‌های دیگر و نیز سهم آنها در کل دیوان وی بررسی و واکاوی شده است. در پایان بر اساس نمونه‌های آماری جایگاه این دو صنعت در دیوان شاعر به تفکیک نشان داده شده است. نتیجه این پژوهش نشان از آن دارد که صنعت ارسال‌المثل در دیوان اشعار کلیم کاشانی بیشترین میزان کاربرد را نسبت به آرایه‌های دیگر دارد و شاعر از این صنعت بیشترین بهره را جسته است.

کلیدواژه‌ها: کلیم کاشانی، سبک هندی، تمثیل، ارسال‌المثل

مقدمه

سبک هندی به کاربرد گسترده تمثیل و ارسال‌المثل مشهور است، این دو صنعت به دلیل کاربرد گسترده به صورت ویژگی سبکی در این دوره قرار گرفته‌اند. بارزترین و مشهورترین شیوه مضمون‌سازی و به عبارت دیگر شگرد کار در سبک هندی، نقب زدن از ظاهر به باطن و برقرار کردن ارتباط بین محسوس و نامحسوس است. شاعر در سبک هندی توجهی خاصی به عناصر و پدیده‌های طبیعی و اشیاء و آداب و رسوم و عادات و مصطلحات جامعه خویش دارد. این توجه خاص به شکل استخراج مضمون از مشاهدات انسانی در طبیعت و جامعه و اشیاء محیط شاعر، بروز می‌کند. در واقع در این سبک، شاعر همچون حضرت سلیمان و شاید بالاتر از او، زبان همه موجودات را می‌فهمد و همه موجودات نیز توانایی درک زبان او را دارند (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۸).
قالب شعر در سبک هندی تک‌بیت است نه غزل، منتها این ابیات با نخ قافیه و ردیف به هم وصل شده‌اند و ظاهر غزل را یافته‌اند. ساختار بیت سبک هندی چنین است که در مصراع‌ی مطلب معقولی گفته شود، یعنی شعاری مطرح شود و در مصراع

m38_mir@yahoo.com

m.javanbakt67@gmail.com

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل، زابل، ایران (مسئول مکاتبات)

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل، زابل، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱

دیگر با تمثیل یا رابطه لف و نشری متناظر^۱ با تشبیه مرکب، آن را محسوس کنند. همه هنر شاعر در این مصراع اخیر است؛ یعنی در مصراعی که باید معقول را محسوس کند و هر چه رابطه بین دو مصراع هنری تر و منسجم تر باشد، بیت دلنشین تر است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۸۹). یکی از عناصر پر کاربرد در این سبک ارسال المثل و تمثیل است که نسبت به سبک‌های پیشین کاربرد گسترده‌تری دارد و در این بین کلیم کاشانی هم از به کاربردن این صنایع ادبی در دیوان اشعار خویش خودداری نکرده است. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گردیده است، سعی بر آن شد تا دو صنعت ادبی ارسال المثل و تمثیل در دیوان اشعار کلیم کاشانی (۹۵۶۷ بیت) مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا کل ارسال المثل‌ها و تمثیلات دیوان شاعر استخراج گردید و در مرحله بعد به تقسیم‌بندی این صنایع ادبی و ذکر شاهد مثال‌هایی و تحلیل چند نمونه در هر مورد پرداخته شد. در پایان براساس نمونه‌های آماری، نتایج به دست آمده از لحاظ تعداد و بسامد دو صنعت ارسال المثل و تمثیل در قالب جدول و نمودار نشان داده شد. بنابر نتایج پایانی این پژوهش، کلیم کاشانی در اشعار خویش بیشتر از صنعت ارسال المثل بهره برده است.

۱- نظری اجمالی به شرح حال و سبک کلیم کاشانی

ملک الشعرا میرزا ابوطالب کلیم کاشانی مشهور به «طالبای کلیم» که او را «خلاق المعانی ثانی» خوانده‌اند، از شاعران معروف سده یازدهم هجری است. اصل او را بیشتر تذکره‌نویسان از همدان دانسته و گفته‌اند که چون در کاشان اقامت داشت، به کاشانی معروف شد. وی دانش‌های زمان را در کاشان و شیراز آموخت و هم در آغاز جوانی در عهد پادشاهی جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۴) به هند رفت و ملازمت شاهنواز خان اختیار کرد که در خدمت ابراهیم شاه ثانی عادلشاهی، والی بیجاپور به سر می‌برد و بنابراین نخستین مأمونی که ابوطالب در هند یافت بیجاپور دکن بود (صفا، ۱۳۶۴: ۱۱۷۱/۵).

کلیم کاشانی شاعر پر سخن بود. مجموع اشعار او را تا ۲۴۰۰۰ بیت نوشته‌اند، ولی آنچه از آن باقی مانده است، در حدود ۹۵۶۷ بیت بیشتر نیست. اگر آن را با ظفرنامه شاهجهانی او که پانزده هزار بیت است یک جا نهمیم، همان یا اندکی بیشتر از آن می‌شود، که گفته‌اند. نظری به کلیات آثار کلیم نشان می‌دهد که او در همه انواع شعر طبع آزمایی کرده است ولی مهارت و شهرت او در غزل‌سرایی است (همان: ۱۱۷۵). همان‌گونه که شبلی نعمانی در این باره می‌گوید: «شیوه خاص او در غزل مضمون‌بندی یا معنی‌آفرینی و خیال‌بافی است» (نعمانی، ۱۳۶۸: ۱۸۱). کلیم در مثنوی‌ها زبانی ساده و گاه دور از انسجام و استواری دارد و واژه‌های هندی را هر جا که ذکر حرفه‌ها، صنعت‌ها، منظره‌ها، گیاهان، گل‌ها و درختان لازم بود به کار برده و در این راه بسی بیشتر از دیگر شاعران پارسی‌گوی که به هند رفته‌اند اثرپذیری خود را از آن سرزمین و زندگی کردن در آنجا نشان داده است.

وی همین زبان ساده را در قصیده‌های خود نیز به کار داشته لیکن در این مورد سر و کارش با آفرینش مضمون‌ها و تعبیرات خیالی و استعاری در بیانی نزدیک به زبان گفت و گوست، خواه در مدح و خواه در بیان حالات روحی خود و خواه در وصف‌های طبیعی. مبالغه‌های کلیم در قصیده‌ها خاصه آنجا که سخن از ستایش پادشاه باشد کم سابقه است. اما همچنان که گفتیم مهارت و شهرت عالمگیر کلیم در غزل‌های اوست که در آن‌ها زبان ساده و گفتاری روان و سخنی استوار را با مضمون‌های غالباً تازه و معنی‌های بدیع و ناگفته که از اندیشه‌های غنایی و حکمی و اجتماعی برخاسته است، همراه کرد. اما این زبان ساده و روان او در غزل‌هایش بیشتر از انواع دیگر شعرهایش واژه‌های برگزیده و محکم و خوش‌تراش دارد.

وی در ارسال المثل یا آوردن مصراع‌ها و بیت‌هایی که حکم «مثل» داشته باشد، بسیار تواناست و اگرچه این هنر در عهد وی ویژه او نبود اما کلیم و چند تن دیگر در این هنرنمایی مهارت خاص دارند (صفا، ۱۳۶۴: ۱۱۷۶/۵). او در شعر خود از انواع عناصر بلاغی استفاده کرده است که از جمله این عناصر، تمثیل و ارسال المثل است که به علت کاربرد زیاد به یک ویژگی سبکی مبدل شده است. علت آن هم می‌تواند این باشد که شاعر سبک هندی با آوردن تمثیل و ارسال المثل سعی دارد به کلام خود قوت و استحکام ببخشد و از آن برای پیشبرد اهداف خود در اشعارش استفاده کند که در این میان کلیم کاشانی این صنایع ادبی را به بهترین نحو در دیوان

¹objective correlative

اشعار خود در معرض دید همگان قرار داده است. در زیر به بررسی تک تک این صنایع ادبی پرداخته می‌شود.

۲- تمثیل

تمثیل یکی از خصیصه‌های برجسته در سبک هندی به شمار می‌رود که بسامد استفاده از این صنعت در شعر شاعران سبک هندی بیشتر از دیگر سبک‌هاست. شاعر سبک هندی با آوردن تمثیل سعی دارد به کلام خود قوت و استحکام ببخشد که در این میان کلیم کاشانی این صنعت ادبی را در لابه‌لای ابیات خویش گنجانده است. تمثیل در معنای اخص آن شامل تشبیه تمثیل، استعاره تمثیلیه و داستان تمثیلی است که کلیم کاشانی فقط از دو صنعت تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلیه بهره برده است و داستان تمثیلی در اشعار او یافت نشد.

۱-۲- تشبیه تمثیل

یکی از قدیمی‌ترین مواردی که از مفهوم تمثیل بی‌آنکه به این اشارت شود، یاد شده، نقد الشعر قدمه بن جعفر است که آن را از جمله اوصاف «ائتلاف لفظ و معنی» قرار داده و گفته است و آن عبارت از این است که شاعر خواسته باشد به معنایی اشارت کند و سخنی بگوید که بر معنایی دیگر دلالت کند، اما آن معنای دیگر و سخن او، مقصود و منظور اصلی او را نشان دهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۷۸). عبدالقاهر جرجانی بر این عقیده است که تمثیل آن است که وجه شبه با نوعی تأویل و توضیح بدست آید (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۰). تفتازانی در مفتاح العلوم خود در باب تعریف تشبیه تمثیل چنین بیان می‌کند: «تشبیه‌الذی وجهه وصف منتزع من متعدد ای: امرین أو امور» (تفتازانی، ۱۴۲۲: ۵۵۳). که تأکید او بر این است که وجه شبه در تشبیه تمثیل از امور متعدد انتزاع شده باشد. خواجه نصیرالدین طوسی «تمثیل را با نام استدلال می‌خوانند و استدلال را چنان می‌دانند که از حال یک شبیه به حال دیگر شبیه دلیل سازند» (طوسی، ۱۳۲۶: ۵۹۴). شایان ذکر است که بعضی از نویسندگان بلاغت تمثیل را از جمله استعاره می‌دانند که از آن جمله (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۰۵) و (شمس قیس، ۱۳۷۳: ۳۱۹) هستند.

ولی آنچه بیشتر بلاغیون در باب تشبیه تمثیل بدان معتقدند، این است که وجه شبه در آن برداشت شده از چند چیز باشد.^۱ با توجه به مطالبی که گفته شد می‌توان دریافت که تشبیه تمثیل آن است که در آن وجه شبه برداشت شده از چند چیز باشد و همچنین در آن، مشبه مرکب عقلی و مشبه به مرکب حسی باشد و ادات تشبیه در آن گاه ذکر شود و گاه نه. کلیم کاشانی از این صنعت در اشعار خویش بهره برده است به گونه‌ای که بسامد این صنعت در دیوان شاعر ۶/۵ درصد است (ر.ک: جدول شماره ۱). برای آشکار شدن بهتر موضوع به مثال زیر توجه نمایید:

هر که خودبین و خودآرا، ز هنر محروم است همچو طاووس که پُر زینت و کم پرواز است
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۸)

در این بیت شاعر شخص خودبین و خود آراء را که یک امر مرکب و معقول است به طاووسی که پر زینت و کم پرواز باشد که یک امر مرکب و حسی است، تشبیه نموده است و ادات تشبیه «همچون» را ذکر کرده است. وجه شبه برداشت شده از این تشبیه، محروم بودن و به گونه‌ای عیب و نقص داشتن است که یک امر معقول است. شاعر در این بیت به زیبایی یک هیأت مرکب و معقول را به یک هیأت مرکب و حسی تشبیه نموده است و بیت جنبه ضرب المثل دارد. در جای دیگر کلیم کاشانی چنین آورده است:

دنی را پایه بالاتر نهادن به دیوانه بود شمشیر دادن
(همان: ۴۹۱)

شاعر در این بیت، درجه و مقام بالا دادن به انسان پست را به شمشیر دادن به دست فرد دیوانه تشبیه نموده است که تشبیه ما تمثیل بوده و بیت جنبه ارسال المثل به خود گرفته است و از طرف دیگر وجه شبه نهفته در این تشبیه، مرتکب کار خطرناک و زیان آور شدن، است که خود یک امر مرکب و معقول است.

نمونه‌های فراوانی از این مورد یافت شد که در زیر به ذکر چند مورد بسنده شده است: (کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۹/۳) - (۲۱/۱۹) - (۳۵/۷) - (۳۹/۱۴) - (۴۵/۸) - (۱۱۳/۲) - (۱۲۴/۵) - (۱۵۷/۲) - (۲۳۴/۴) - (۳۵۷/۲) - (۳۶۰/۲۳) - (۳۶۸/۹) - (۳۷۰/۱۳) - (۳۷۴/۴) - (۳۷۶/۲۱) - (۴۲۷/۱۱) - (۴۳۱/۱۰) - (۴۳۱/۱۵) - (۴۳۱/۱۶) - (۴۳۶/۶) - (۴۴۴/۷) - (۴۵۸/۱) - (۴۶۰/۲۲) - (۴۶۹/۲۱) - (۴۷۱/۱۱) - (۴۸۷/۲۳) - (۴۹۰/۲۶) - (۵۰۵/۸) - (۵۰۸/۶) - (۵۴۱/۱۴) - (۵۴۳/۲) - (۵۷۳/۱۲) - (۵۷۶/۸) - (۵۷۶/۹) - (۵۷۸/۱) - (۵۸۱/۱۱).

۲-۲- استعاره تمثیلیه

یکی از عناصر بلاغی که به نحوی زیر مجموعه تشبیه تمثیل قرار می‌گیرد، استعاره تمثیلیه است. استعاره را به اعتبار آنکه وجه جامع بسیط یا مرکب باشد، به استعاره تمثیلیه و غیر تمثیلیه تقسیم می‌کنند (تقوی، ۱۳۶۳: ۱۹۱). استعاره تمثیلیه بدین گونه است که دو موضوع یا دو حالت را که از امور متعدد گرفته شده، در نظر می‌آورند و یکی از آن دو را به دیگری تشبیه می‌کنند آن گاه کلامی که بر مشبه به دلالت دارد بر زبان می‌آورند و مقصودشان از آن همان مشبه است. چون این نوع استعاره حالت ترکیبی دارد آن را مرکب می‌گویند و از آنجا که به عنوان تمثیل و «مثل» از آن استفاده می‌شود آن را تمثیلیه می‌خوانند (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۸۹). شمیسا در تعریف استعاره تمثیلیه چنین آورده است که «مشبه به مرکبی است که حکم مثل را داشته باشد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۰۱). شایان ذکر است که هرگاه استعاره تمثیلیه مشهور و در بین عامه مردم شهرت داشته باشد به صورت «مثل» ذکر می‌شود؛ به عبارت ساده‌تر استعاره تمثیلیه آن است که مشبه از جمله حذف و مشبه به ذکر می‌شود که این مشبه به ذکر شده جنبه «مثل» به خود گرفته است. بلاغیون در بعضی موارد استعاره تمثیلیه با کنایه را ذیل یک عنوان آورده‌اند و چه بسا جمله‌ای که تحت عنوان استعاره تمثیلیه ذکر گردیده است، کنایه هم است. بسامد این صنعت در شعر کلیم کاشانی ۳/۶ درصد است. برای مثال کلیم کاشانی می‌سراید:

بی‌اختیار می‌بردم اشک، چون کنم؟
خاشاک سیل را نتواند عنان گرفت
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۹۲)

در این بیت در مصرع دوم «عنان گرفتن خاشاک از سیل» استعاره تمثیلیه از «نگه داشتن» است. چون اولاً عنان گرفتن خاشاک از سیل در معنی اصلی خود به کار گرفته نشده است و ثانیاً در عالم واقع هم چنین امری امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر مشبه به ذکر شده جنبه «مثل» دارد. نمونه دیگر از این نوع:

ای خداوندی که از نیروی اقبال بلند
چرخ را از کهکشان، قدر تو خط بر سر کشید
(همان: ۲۲۶)

در این بیت «خط بر سر کشیدن» استعاره تمثیلیه است از «نادیده گرفتن». چون این امر برای قدر در نظر گرفته شده است و در عالم واقع امکان‌پذیر نیست. نمونه دیگر از این نوع در دیوان شاعر:

ز بس بر رفته این ایوان والا
به گل خورشید اندود است بنا
(همان: ۴۷۲)

در این بیت «خورشید به گل اندودن» استعاره تمثیلیه است از «عمل بیهوده و عبث انجام دادن» و این جمله جنبه مثلی هم به خود گرفته است.

نمونه‌های دیگر از استعاره تمثیلیه در دیوان کلیم کاشانی: (کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۳/۷) - (۱۵/۲) - (۲۲۶/۱۱) - (۲۵۶/۶) - (۳۵۹/۲۲) - (۳۷۹/۱) - (۴۲۸/۷) - (۴۶۹/۱۰) - (۴۷۰/۱۵) - (۴۷۲/۱۰) - (۴۷۲/۱۹) - (۴۸۷/۸) - (۴۸۸/۹) - (۴۸۹/۳) - (۵۰۹/۱).

۲-۳- اسلوب معادله

اسلوب معادله یکی از دیگر صنایعی است که بعضی‌ها به دلیل شباهت نزدیک با تمثیل، آن را تمثیل می‌نامند، ولی آنچه مسلم

است، این است که اسلوب معادله اصطلاحی است که دکتر شفیعی کدکنی ساخته است؛ چون با ارسال المثل و یا هر نوع مصراع حکمت‌آمیزی که بتواند جای «مثل» را بگیرد، اشتباه نشود، و استعمال آن در شعر شاعران سبک هندی به گونه‌ای است که به عنوان یک ویژگی سبکی درآمده است. اسلوب معادله این است که دو مصراع کاملاً از لحاظ نحوی مستقل باشند و هیچ حرف ربط یا شرط یا چیزی دیگری آنها را حتی معنأ هم مرتبط نکند. در صورتی که در اغلب مواردی که به عنوان تمثیل ذکر شده است، این استقلال نحوی مورد بحث و توجه قرار نگرفته است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۶۳). شایان ذکر است چون تعریف خاص و جدا برای اسلوب معادله ذکر گردیده است، این مبحث جدا و تحت عنوان موضوع خاص از تمثیل آمده، اگرچه اسلوب شاخه‌ای از تمثیل است.

اسلوب معادله به صورت یک معادله در دو طرف بیت نمایان است و حالتی چون لف و نشر در دو سوی بیت اجرا می‌کند. کلیم کاشانی به عنوان شاعر برجسته در سبک هندی از این صنعت در دیوان اشعار خویش بهره برده است، به گونه‌ای که از مجموع ۷۱۸ بیت آرایه‌دار در صنعت ارسال المثل و تمثیل، ۴۰ مورد مطابق با ۵/۶ درصد را به خود اختصاص داده است (ر.ک: جدول شماره ۱). برای مثال کلیم کاشانی آورده:

پای بی‌کفش از سری کآید به سامان بهتر است زخم مرهمگیر از چاک گریبان بهتر است
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۵)

شاعر بیت را به صورت یک معادله آورده است و به گونه‌ای مصراع اول در مصراع دوم نمایان است ولی هیچ ارتباط نحوی بین دو مصراع وجود ندارد و هر مصراع به گونه‌ای مستقل ذکر شده است. در این بیت پای بی‌کفش و زخم مرهمگیر در یک طرف معادله و سامان آمدن سر با چاک گریبان در طرف دیگر معادله قرار می‌گیرند. بیت حالت لف و نشری به خود گرفته است. نمونه دیگر از این نوع:

گر به قسمت قانعی بیش و کم دنیا یکی ست تشنه چون یک جرعه خواهد کوزه و دریا یکی ست
(همان: ۶۳)

در این بیت قسمت و تشنه در روبروی هم و بیش و کم دنیا با کوزه و دریا در طرف دیگر در مقابل هم قرار می‌گیرند و دو بیت از لحاظ نحوی کاملاً مستقل از هم هستند و هر مصراع به صورت جداگانه معنی و مفهوم خود را می‌رساند. نمونه دیگر در دیوان شاعر:

یک شهر سنگدل را یک سخت جان بس است جایی که صد خدنگ^۲ بود یک نشان بس است
(همان: ۳۹)

شاعر در اینجا به زیبایی منظور و مفهوم خود را به صورت جداگانه در هر مصراع ذکر کرده است و هر مصراع مستقل از مصراع دیگر است.

نمونه‌های دیگر از این مورد: (کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۴/۸) - (۷۰/۲) - (۷۷/۱۹) - (۷۹/۱۹) - (۱۱۲/۱) - (۱۳۰/۶) - (۱۴۷/۱۲) - (۱۵۴/۱۶) - (۱۵۷/۱۷) - (۱۸۳/۶) - (۱۹۴/۱۱) - (۱۹۶/۱۳) - (۲۱۰/۴) - (۲۸۹/۷) - (۳۱۵/۱۲) - (۳۵۸/۶) - (۳۶۱/۵) - (۳۷۵/۱۴) - (۴۱۴/۱) - (۴۳۷/۱۰) - (۴۷۲/۲۷) - (۴۷۵/۱۱) - (۴۸۶/۷) - (۴۹۲/۲۰) - (۵۰۴/۱۷) - (۵۰۷/۱۶).

۳- ارسال المثل

یکی از صنایع برجسته در سبک هندی، ارسال المثل است، این مدعا از آن جا نشئت می‌گیرد که بسامد این صنعت در شعر کلیم کاشانی و اکثر شاعران سبک هندی بسیار است و همین کاربرد گسترده سبب شده است که به صورت یک ویژگی سبکی در آید. محمدبن عمر رادویانی در تعریف ارسال المثل چنین گفته است: «و یکی از جمله بلاغت آن است کی شاعر اندر بیت حکمتی گوید که آن به راه مثل بود» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۸۳). در جای دیگر در تعریف ارسال المثل چنین بازگو کرده‌اند که «ارسال المثل آن

است که متکلم در سخن خویش مثل مشهوری درج کند یا عبارتی از حکمت و غیر آن آورد که تمثیل به آن نیکو نماید» (گرگانی، ۱۳۷۷: ۴۰).

همچنین در تعریف «مثل» آورده شده است که جمله‌ای که به عنوان مجاز مرکب بالاستعاره می‌آید، هر گاه کثرت استعمال نداشته باشد، به همین نام و هرگاه کثرت استعمال داشته باشد، به گونه‌ای که عوام و خواص آن را شناخته و به کار برند «مثل» نامیده می‌شود (شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۹۷/۳). در مفصل شرح مطول در تعریف «مثل» ذکر شده است که «مثل عبارت است از کلام مشهور و معروف و مستقل در افاده و برای او یکی موردی است و یکی مضربی، مراد از مورد آن حالت اولیه است که کلام در آن مورد آمده است و مضرب آن حالتی است که با حالت اول شباهت دارد» (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۲: ۱۴۴/۸).

شایان ذکر است که شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم ارسال المثل را زیرشاخه تضمین آورده است (رازی، ۱۳۷۳: ۲۶۲). همچنین بعضی از نویسندگان از الفاظ دیگری در باب ارسال المثل استفاده کرده‌اند؛ مثلاً، راستگو از لفظ «مثل آرایی» و «مثل‌واره» استفاده کرده است (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹۸). کزازی هم از لفظ دستانزنی استفاده کرده است (کزازی، ۱۳۸۱: ۱۱۲). با توجه به تعاریفی که گفته شد می‌توان دریافت که ارسال المثل سخن مشهور و کوتاهی است که در بین عامه مردم رواج دارد و از طرف دیگر جنبه تشبیهی دارد که در آن ادات تشبیه ذکر نمی‌شود.

در این پژوهش سعی شده است برای فهم بهتر مطلب به تقسیم‌بندی این صنعت پرداخته شود که از چند دیدگاه مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱- شاعر «مثل» خود را در یک مصرع می‌آورد و از ذکر کردن «مثل» در کل بیت خودداری می‌نماید. کلیم کاشانی از این صنعت به بهترین نحو در اثر خویش بهره برده است؛ به گونه‌ای که با آوردن ۷۲/۸ درصد بیشترین بسامد را در دیوان او دارد (رک. جدول شماره ۱). برای مثال او می‌گوید:

اشک کواکب نگر، چرخ غم اندود را
گریه فراوان بود خانه پر دود را
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۵)

مصرع دوم این بیت جنبه ارسال المثل دارد که در بین عامه شهرت یافته است. شاعر به زیبایی «مثل» خود را در یک مصرع نمایان کرده است و همچنین این ارسال المثل مشبه به مرکب حسی است که مشبه آن در مصرع اول ذکر شده است. نمونه دیگر از این نوع:

دستگاه ما کجا شایسته تاراج اوست؟
غیر زانو نیست سامانی سر شوریده را
(همان: ۱۸)

در این بیت هم مثل بیت قبل شاعر مثل خود را در یک مصرع ذکر کرده است به گونه‌ای که مصرع دوم این بیت جنبه ارسال المثل به خود گرفته است. در اینجا شاعر قدرت و شوکت شخص را که شایستگی تاراج ندارد، به انسان شوریده‌ای که غیر زانو سامان و همدردی ندارد، تشبیه کرده است. شاعر در جای دیگر چنین آورده است:

در صحبت افسرده دلان شعر نخوانیم
کس مروحه^۳ در فصل زمستان نفروشد
(همان: ۱۵۸)

شاعر به زیبایی مصرع دوم این بیت را به صورت «مثل» ذکر کرده است، به گونه‌ای که همچون قول مشهور در بین عامه مردم رواج دارد. شاعر شعر نخواندن در همنشین با افسرده دلان را به مروحه (باد زن) فروختن در فصل زمستان تشبیه کرده است که وجه شبه آن کار بیهود و دور از انتظار کردن است که خود یک امر عقلی و مرکب است و با تمام ویژگی‌های مثل مطابقت دارد.

نمونه‌هایی فراوان دیگر از این نوع در دیوان اشعار شاعر یافت شد که در زیر به ذکر نمونه‌هایی چند بسنده شده است: (کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۳/۹) - (۳/۱۴) - (۴/۴) - (۴/۵) - (۴/۹) - (۴/۱۲) - (۵/۱) - (۵/۸) - (۵/۱۷) - (۶/۲) - (۶/۴) - (۷/۱۰) -

(۷/۱۲) - (۷/۱۴) - (۹/۵) - (۱۰/۹) - (۱۱/۱۳) - (۱۲/۲) - (۱۲/۱۵) - (۱۳/۲) - (۱۵/۲) - (۱۵/۵) - (۱۵/۹) - (۱۶/۱) - (۱۶/۲) - (۱۶/۸) - (۱۶/۱۰) - (۱۶/۱۲) - (۱۷/۴) - (۱۷/۱۲) - (۱۸/۹) - (۱۸/۱۴) - (۲۰/۲) - (۲۰/۵) - (۲۱/۱۸) - (۲۳/۹) - (۲۳/۱۱) - (۲۳/۱۴) - (۲۴/۱) - (۲۴/۹) - (۲۶/۵) - (۲۶/۷) - (۲۷/۲) - (۲۷/۴) - (۲۸/۳) - (۲۸/۶) - (۲۸/۹) - (۲۹/۱) - (۲۹/۱۲) - (۳۰/۱) - (۳۰/۲) - (۳۱/۲) - (۳۲/۲) - (۳۳/۴) - (۳۴/۲۰) - (۳۶/۷) - (۳۷/۱۵) - (۳۸/۱۹) - (۴۰/۶) - (۴۰/۷) - (۴۰/۱۱) - (۴۱/۲) - (۴۱/۴) - (۴۱/۹) - (۴۱/۱۵) - (۴۲/۱۶) - (۴۳/۱) - (۴۳/۸) - (۴۳/۱۰) - (۴۴/۹) - (۴۴/۱۰) - (۴۵/۲) - (۴۶/۶) - (۵۱/۱) - (۵۱/۷) - (۵۱/۲۰) - (۵۲/۲) - (۵۲/۷) - (۵۶/۱۷).

۲- تقسیم‌بندی دیگر از ارسال‌المثل بدین‌گونه است که شاعر «مثل» مشهور خود را در کل بیت می‌آورد، به گونه‌ای که خواننده با خواندن کل بیت متوجه منظور نویسنده می‌شود. بسامد این صنعت در دیوان شاعر ۶/۸ درصد است (ر.ک: جدول شماره ۱). برای نمونه کلیم کاشانی چنین می‌گوید:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۵۳)

شاعر در این بیت به زیبایی مطلب و سخن مشهور خود را در کل بیت به عرصه نمایش گذاشته است به گونه‌ای که با خواندن مصرعی از این بیت، متوجه «مثل» نهفته شده در آن نمی‌شویم و این امر زمانی میسر است که کل بیت را بخوانیم. شاعر در جای دیگر چنین آورده است:

گر روزگار خواهی از تو حساب گیرد آسان شمار بر خود کاری که مشکل افتد
(همان: ۱۰۱)

کلیم کاشانی در این بیت نیز مثل خود را در کل بیت نمایان کرده است که بدین صورت است، اگر می‌خواهی که روزگار از تو حساب گیرد کارهای دشوار و مشکل را بر خود آسان بگیر. نمونه دیگر از این نوع:

چو شد تقدیر کس، می‌افتد از بام اگر گیسرد درون چاه، آرام
(همان: ۴۶۷)

این بیت هم اشاره دارد به سخن مشهور که از تقدیر گزیر و گریزی نیست و خداوند آنچه را برای بشر اقتضا نموده است، اجرا می‌کند که این جمله و سخن به گونه ارسال‌المثل در کل این بیت نمایان است.

نمونه‌های دیگر از این مورد: (کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۶/۹) - (۳۱/۱۲) - (۳۲/۱) - (۳۵/۵) - (۳۸/۱۵) - (۵۲/۹) - (۵۹/۱۷) - (۶۰/۴) - (۶۹/۷) - (۷۵/۵) - (۱۳۴/۱۱) - (۱۴۳/۶) - (۱۵۸/۱۲) - (۱۷۳/۲) - (۳۴۵/۷) - (۳۵۲/۷) - (۳۷۲/۱۲) - (۴۱۴/۵) - (۴۲۱/۲) - (۴۲۳/۲۵) - (۴۳۱/۱۲) - (۴۳۳/۱۲) - (۴۶۰/۷) - (۴۶۷/۱۸) - (۴۸۲/۱۵) - (۴۸۷/۱۴) - (۴۸۹/۱۱) - (۴۹۲/۱۸) - (۴۹۲/۲۳) - (۴۹۶/۱۴) - (۵۱۶/۱۱) - (۵۳۲/۱۱) - (۵۷۶/۱۴) - (۵۷۶/۱۸) - (۵۷۷/۹) - (۵۷۸/۶) - (۵۷۹/۲).

تقسیم‌بندی دیگر از ارسال‌المثل

۱- شاعر عین «مثل» رایج را در شعر خود درج می‌کند؛ یعنی «مثل» را همانگونه که در بین عوام شهرت دارد، به کار می‌برد. برای آشکار شدن بهتر موضوع به مثالی که در زیر آمده است، توجه نمایید:

دیده بینا بهای خاک راهت چون دمد؟ آب دریا دیده کم‌قیمت بود کالای ما
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۴)

کلیم کاشانی در مصرع دوم این بیت به زیبایی عین «مثل» رایج در بین عامه را بازگو نموده است که اشاره دارد به این که «جنس آب خورده کم بهاتر است از جنس نو». شاعر در جای دیگر چنین آورده است:

بر سیه بختان بود داغ وفا زبینه‌تر شب چو تاریک است از بهر چراغان بهتر است
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۶)

شاعر مصرع دوم این بیت را نیز به گونه مثل ذکر نموده است به گونه‌ای که هنوز هم در بین مردم رواج دارد و کاربرد آن منسوخ نگردیده است. نمونه دیگر از این نوع:

همنشین می‌دهی‌ام پند، ولی معذوری
خوی دیوانه گرفت آنکه به دیوانه نشست
(همان: ۶۵)

شاعر به زیبایی مثل خود را در مصرع دوم ذکر کرده است.

نمونه‌های دیگر از این نوع: (کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۵۷/۱۴) - (۶۰/۱۶) - (۶۱/۱۲) - (۶۳/۱۰) - (۶۳/۱۳) - (۶۴/۱۱) - (۶۴/۱۸) - (۶۵/۶) - (۶۵/۱۱) - (۶۷/۲) - (۶۷/۳) - (۶۷/۷) - (۶۸/۵) - (۶۸/۱۰) - (۶۸/۱۴) - (۶۹/۱۱) - (۷۰/۶) - (۷۰/۱۱) - (۷۰/۱۱) - (۷۱/۹) - (۷۱/۱۲) - (۷۳/۱) - (۷۳/۱۴) - (۷۵/۲) - (۷۵/۶) - (۷۶/۱۲) - (۷۷/۶) - (۷۸/۷) - (۷۹/۸) - (۷۹/۱۱) - (۷۹/۱۲) - (۷۹/۱۰) - (۸۰/۱۰) - (۸۰/۱۴) - (۸۱/۵) - (۸۱/۶) - (۸۱/۱۶) - (۸۱/۱) - (۸۲/۶) - (۸۲/۱۴) - (۸۲/۱۶) - (۸۳/۶) - (۸۷/۱) - (۸۸/۹) - (۸۹/۱۷) - (۹۰/۲) - (۹۰/۷) - (۹۱/۸) - (۹۱/۱۶) - (۹۱/۱۸) - (۹۲/۵) - (۹۲/۷) - (۹۲/۱۰) - (۹۲/۱۰) - (۹۲/۱۴) - (۹۳/۴) - (۹۴/۹) - (۹۹/۱۰) - (۹۹/۱۳) - (۱۰۰/۱) - (۱۰۰/۱۷) - (۱۰۰/۱۴) - (۱۰۳/۵) - (۱۰۳/۷) - (۱۰۴/۱۰) - (۱۰۵/۲) - (۱۰۵/۱۷) - (۱۰۶/۸) - (۱۰۷/۸) - (۱۰۹/۳) - (۱۱۰/۱) - (۱۱۰/۴) - (۱۱۰/۵) - (۱۱۰/۷) - (۱۱۰/۸) - (۱۱۰/۱۳).

۲- تقسیم‌بندی دیگر از ارسال‌المثل بدین صورت است که شاعر به مضمون «مثل» اشاره می‌کند و از آوردن عین «مثل» خودداری می‌نماید. برای مثال کلیم کاشانی می‌گوید:

صبر، گوارا کند هر چه تو را ناخوش است
ساعتی از کف بنه آب گل‌آلود را
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۵)

شاعر در مصرع اول این بیت «مثل» خود را به زیبایی نهفته است، به گونه‌ای که اشاره به این «مثل» مشهور دارد «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی». در جای دیگر چنین آورده است:

به کوی هر که درآیی به رنگ او می‌باش
دلا م‌خند که در خانهٔ زمانه عزاست
(همان: ۳۶۲)

مصرع اول این بیت اشاره دارد به ضرب‌المثل مشهور «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت باش» که تقریباً عوام مردم از این مثل آگاه هستند و در صحبت‌های روزمره بسیاری از افراد این مثل به کار می‌رود که شاعر به گونه‌ای زیبا با آوردن جزئی از این مثل خواننده خود را به سوی اصل مثل راهنمایی می‌کند. نمونه دیگر از این نوع:

وفور عیش پدید است از درآمد کار
از این بهار نمایان بود نکویی سال
(همان: ۳۶۸)

شاعر باز هم در مصرع دوم این بیت اشاره‌ای دارد به مثل رایج «سالی که نکوست از بهارش پیداست» و با آوردن جزئی از این مثل مخاطب خود را به سوی اصل مثل راهنمایی می‌کند.

۱-۳- ارسال‌المثلین

یکی دیگر از زیر شاخه‌های ارسال‌المثل، ارسال‌المثلین است. ارسال‌المثلین از صنایع بدیعیه و عبارت از این است که دو مثل را در بیتی بگنجانند (بهمینار، ۱۳۶۹: مقدمه). کلیم کاشانی از این صنعت در اشعار خود بهره برده است به نحوی که با آوردن ۳۲ بیت، ۴/۵ درصد را به خود اختصاص داده است (ر.ک: جدل شماره ۱). برای مثال:

سربلندی هر کجا کمتر، سلامت بیشتر
باد نتواند ستم بر سبزهٔ نوخیز کرد
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

کلیم در این بیت دو «مثل» را به زیبایی در کنار هم آورده است؛ به نحوی که یک «مثل» در مصرع اول و «مثل» دیگر در مصرع دوم ذکر شده است. شاعر در جای دیگر چنین آورده است:

هر کجا سامان فزون تر بهره‌مندی کمتر است / تشنه ز آب جوی بیش از سیل، کام دل گرفت
(همان: ۹۲)

شاعر در این بیت صنعت ارسال المثلین را به زیبایی در سخن خود گنجانده است به نحوی که یک مثل را در مصرع اول و مثل دیگر را در مصرع دوم ذکر کرده است.

در نظرها اعتبار کس به قدر نفع اوست / عزت هر نخل در بستان به مقدار بر است
(همان: ۴۳۲)

در این بیت هم به زیبایی دو مثل یکی در مصرع اول و دیگری در مصرع دوم به کار برده شده است.

نمونه‌های دیگر از این مورد: (کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۴/۳) - (۱۱/۱۸) - (۱۴/۱۲) - (۷۴/۱) - (۸۴/۱۱) - (۱۳۷/۲) - (۱۴۹/۴) - (۱۸۶/۷) - (۳۱۵/۵) - (۳۲۴/۴) - (۳۲۷/۴) - (۳۵۴/۲) - (۳۷۴/۳) - (۴۳۴/۷) - (۴۳۴/۱۰) - (۴۳۶/۸) - (۴۳۶/۹) - (۴۷۲/۲۲) - (۴۹۰/۲۷) - (۵۷۲/۱۲) - (۵۷۸/۹).

۲-۳- ارسال الامثال

یکی دیگر از صنعت‌هایی که در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد، ارسال الامثال است. ارسال الامثال این است که شاعر بیش از دو مثل در بیتی بگنجانند (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۲۱). نمونه کاربرد این صنعت در دیوان کلیم کاشانی کم بود به گونه‌ای که فقط یک مورد یافت شد که در ذیل به ذکر آن پرداخته شده است:

در محبت بی‌کسی، در عشق تنهایی خوشست / شادمانی بهتر از آن غم که بی‌غمخوار نیست
(کلیم کاشانی، ۱۳۸۷: ۶۹)

شاعر در این بیت سه «مثل» را در کنار هم ذکر کرده است که به این صورت است: در محبت بی‌کسی خوشست، در عشق تنهایی خوشست و در مصرع دوم هم کل مصرع دارای صنعت ارسال المثل است.

نتیجه

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در دیوان اشعار کلیم کاشانی، از مجموع ۹۵۶۷ بیت در کل دیوان، ۷۱۸ بیت آن دارای صنعت ارسال المثل و تمثیل است. بر این اساس این نتایج را می‌توان عنوان داشت:

۱- کلیم کاشانی از صنعت ارسال المثل در اثر خویش به بهترین نحو بهره برده است. او این صنعت را گاه در یک مصراع و گاهی در کل بیت نمایان کرده است، به نحوی که با بررسی‌های انجام شده، ۷۲/۸ درصد ارسال المثل‌ها در یک مصراع و ۶/۸ درصد ارسال المثل‌ها در کل بیت گنجانده شده است.

۲- شاعر صنعت ارسال المثلین را هم در دیوان خویش مورد استفاده قرار داده است، به نحوی که از مجموع ۷۱۸ بیت آرایه‌دار در صنعت ارسال المثل و تمثیل، ۳۲ مورد مطابق با ۴/۵ درصد را به این صنعت اختصاص داده است. در دیوان کلیم آرایه دیگری به نام ارسال الامثال هم به کار رفته است که این صنعت فقط یک بار مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- تشبیه تمثیل به کار گرفته شده در دیوان کلیم کاشانی ۴۷ مورد برابر با ۶/۵ درصد است. همچنین کلیم از آرایه استعاره تمثیلیه در دیوان خویش بهره برده است که این آرایه ۳/۶ درصد را به خود اختصاص داده است. نکته شایان ذکر این است که بعضی بلاغیون استعاره تمثیلیه و کنایه را ذیل یک عنوان ذکر کرده‌اند و چه بسا جمله‌ای تحت عنوان استعاره تمثیلیه ذکر گردد و همان جمله کنایه از فعل هم باشد که همین امر سبب بروز بعضی اختلاف‌ها بر سر کنایه و استعاره تمثیلیه شده است.

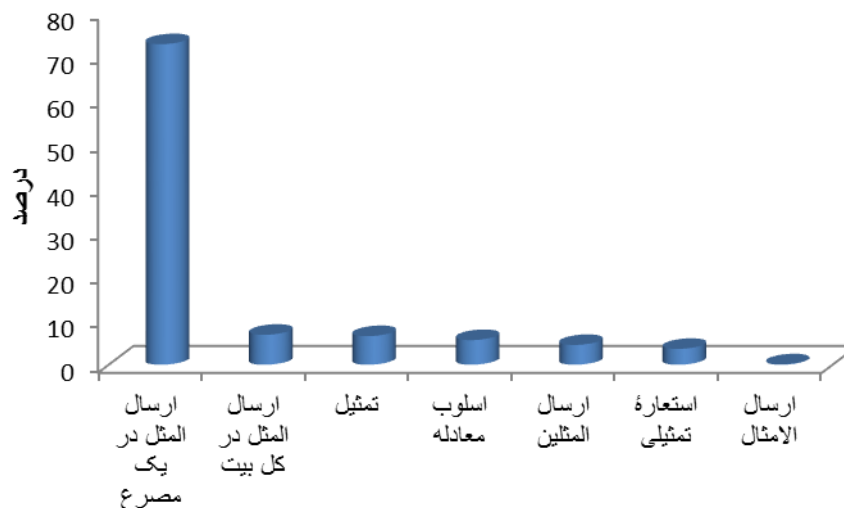
۴- آرایه دیگری که کلیم کاشانی در اثر خود به کار گرفته است، اسلوب معادله است که مطابق با بررسی‌های به عمل آمده، این

صنعت ۵/۶ درصد را به خود اختصاص داده است. چون اسلوب معادله را بحثی جداگانه از تمثیل در بلاغت آورده‌اند، در این تحقیق هم مبحث جدا از تمثیل ذکر گردیده است، اگرچه اسلوب معادله از زیر شاخه‌های تمثیل است.

با توجه به موارد گفته‌شده، می‌توان دریافت که کلیم کاشانی به عنوان شاعر مشهور در سبک هندی از به کاربردن ارسال‌المثل و تمثیل در دیوان اشعار خویش امتناع نکرده است و این صنایع ادبی را به بهترین نحو در لابه‌لای ابیات خویش گنجانده است، اما شاعر در دیوان خویش بیشتر از صنعت ارسال‌المثل بهره برده است و تمثیل در جای خود نسبت به ارسال‌المثل نمود کمتری دارد.

جدول ۱. بسامد ارسال‌المثل و تمثیل با توجه به مجموع ابیات آرایه‌دار در این صنعت در دیوان اشعار کلیم کاشانی

موضوع	بسامد	درصد
ارسال‌المثل در یک مصرع	۵۲۳	۷۲/۸
ارسال‌المثل در کل بیت	۴۹	۶/۸
ارسال‌المثلین	۳۲	۴/۵
ارسال‌الامثال	۱	۰/۱
تمثیل	۴۷	۶/۵
استعاره تمثیلیه	۲۶	۳/۶
اسلوب معادله	۴۰	۵/۶
مجموع	۷۱۸	۱۰۰

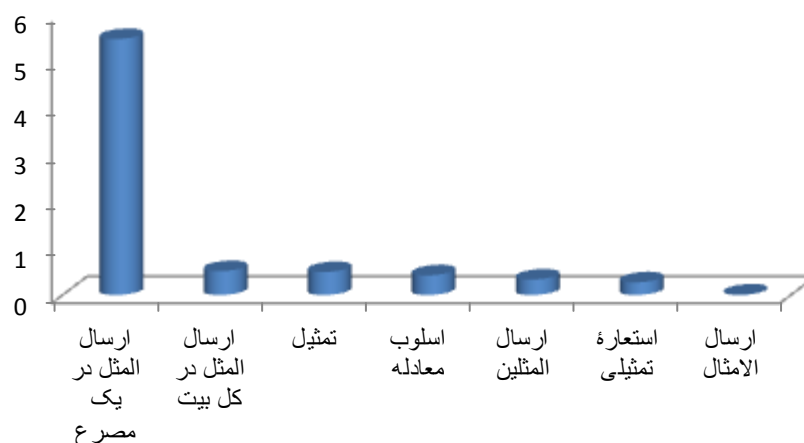


نمودار ۱. بسامد ارسال‌المثل و تمثیل با توجه به مجموع ابیات آرایه‌دار در این صنعت در دیوان اشعار کلیم کاشانی

جدول ۲. بسامد ارسال‌المثل و تمثیل با توجه به کل ابیات در دیوان اشعار کلیم کاشانی

موضوع	بسامد	درصد
ارسال‌المثل در یک مصرع	۵۲۳	۵/۴۷

ارسال المثل در کل بیت	۴۹	۰/۵۱
ارسال المثلین	۳۲	۰/۳۳
ارسال الامثال	۱	۰/۰۱
تمثیل	۴۷	۰/۴۹
استعاره تمثیلیه	۲۶	۰/۲۷
اسلوب معادله	۴۰	۰/۴۲
مجموع	۹۵۶۷	۷/۵



نمودار ۲. بسامد ارسال المثل و تمثیل با توجه به کل ابیات در دیوان اشعار کلیم کاشانی

پی‌نوشت‌ها

- ۱- (ضیف، ۱۳۸۳: ۲۶۳)، (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۹: ۲۵۵)، (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۵۷)، (جارم و مصطفی امین، ۱۳۹۰: ۳۱)، (فضلی، ۱۳۸۰: ۲۷۶)، (طیبیان، ۱۳۸۸: ۳۳۳)، (کزازی، ۱۳۸۱: ۴۸)، (علوی مقدم و رضا اشرف زاده، ۱۳۸۶: ۹۱)، (تجلیل، ۱۳۷۶: ۵۴)، (طالبیان، ۱۳۷۸: ۴۸)، (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۴۲)، (محبتی، ۱۳۸۰: ۹۵)، (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۲: ج ۷: ۱۷۴).
- ۲- **خدنگ**: درختی است بسیار سخت که از چوب آن نیزه و تیر و زین اسب سازند و تیر خدنگ و زین خدنگ بدین اعتبار است. در جای دیگر چنین گفته شده است: درختی است که چوب آن نهایت محکم و صاف و راست باشند، چون اکثر از چوب آن تیر می‌سازند؛ لهذا مجازاً اسم تیر شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۸۴۳۲/۶).
- ۳- **مروحه**: مروح، بادکش، بادبزن، وسیله و ابزاری صفحه‌مانند که هنگام شدت یافتن گرما آن را به حرکت درآورند و سبب خنک شدن هوا می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۸۲۹۶).

منابع

۱. بهمنیار، احمد. (۱۳۶۹). *داستان‌نامه بهمنیاری*، به کوشش فریدون بهمنیار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. تجلیل، جلیل. (۱۳۷۶). *معانی و بیان*، چ ۸، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. تفتازانی، سعدالدین مسعودبن عمر. (۱۴۲۲-۲۰۰۱). *مطول، شرح تلخیص مفتاح‌العلوم*، تحقیق عبدالحمید هندآوی، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. تقوی، سید نصرالله. (۱۳۶۳). *هنجار گفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی*، چ ۲، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.

۵. جارم، علی و مصطفی امین. (۱۳۹۰). *البلاغه الواضحه*، ترجمه و اقتباس اصغر پور شمس و ناد علی عاشوری تلوکی، چ ۱، اصفهان: اقیانوس معرفت.
۶. جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۰). *اسرارالبلاغه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. حسینی، حسن. (۱۳۷۶). *بیدل، سپهری و سبک هندی*، چ ۲، تهران: سروش.
۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، به اهتمام محمد معین و سید جعفر شهیدی، ۱۵ جلد، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. رادویانی، محمد بن عمر. (۱۳۶۲). *ترجمان البلاغه*، تصحیح و اهتمام احمد آتش، چ ۲، تهران: اساطیر.
۱۰. رازی، شمس قیس. (۱۳۷۳). *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*، به کوشش سیروس شمیسا، چ ۱، تهران: فردوس.
۱۱. راستگو، سید محمد. (۱۳۷۶). *هنر سخن آرای، فن بدیع*، چ ۱، کاشان: انتشارات مرسل.
۱۲. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). *شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)*، چ ۴، تهران: آگاه.
۱۳. _____ (۱۳۷۸). *صور خیال در شعر فارسی*، چ ۷، تهران: آگاه.
۱۴. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *بیان*، چ ۲، تهران: میترا.
۱۵. _____ (۱۳۸۱). *سبک شناسی (۱) نظم*، چ ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۶. شیرازی، احمد امین. (۱۳۷۳). *آیین بلاغت، شرح فارسی مختصر المعانی (علم بیان)*، چ ۳، چ ۲، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. صادقیان، محمدعلی. (۱۳۷۱). *طراز سخن در معانی و بیان*، چ ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۴). *تاریخ ادبیات در ایران*، چ ۵، بخش دوم، چ ۱، تهران: فردوس.
۱۹. ضیف، شوقی. (۱۳۸۳). *تاریخ تطور علوم بلاغت*، ترجمه محمدرضا ترکی، چ ۱، تهران: سمت.
۲۰. طالبیان، یحیی. (۱۳۷۸). *صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی*، چ ۱، کرمان: عماد کرمانی.
۲۱. طبیبان، سید حمید. (۱۳۸۸). *برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی*، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
۲۲. طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۲۶). *اساس الاقتباس*، به تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. علوی مقدم، محمد و رضا اشرف زاده. (۱۳۸۶). *معانی و بیان*، چ ۷، تهران: سمت.
۲۴. فتوحی رودمجنی، محمود. (۱۳۸۹). *بلاغت تصویر*، چ ۲، تهران: سخن.
۲۵. فضل‌ی، عبدالهادی. (۱۳۸۰). *تهذیب البلاغه*، ترجمه سید علی حسینی، چ ۲، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۲۶. فندرسکی، ابوطالب. (۱۳۸۱). *رساله بیان و بدیع*، مقدمه و تصحیح سیده مریم روضاتیان، چ ۱، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۷. کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین واعظ. (۱۳۶۹). *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، ویراسته و گزاردۀ میر جلال‌الدین کزازی، چ ۱، تهران: نشر مرکز.
۲۸. کزازی، جلال‌الدین. (۱۳۸۱). *زیباشناسی سخن پارسی بدیع*، چ ۴، تهران: نشر مرکز.
۲۹. _____ (۱۳۸۱). *زیباشناسی سخن فارسی بیان*، چ ۶، تهران: نشر مرکز.
۳۰. کلیم کاشانی، ابوطالب. (۱۳۸۷). *دیوان کلیم کاشانی*، به اهتمام حسین پرتوی بیضایی، چ ۱، تهران: انتشارات سنایی.
۳۱. گرگانی، محمد حسین شمس العلماء. (۱۳۷۷). *ابداع‌البدایع*، به اهتمام حسین جعفری و مقدمه جلیل تجلیل، چ ۱، تبریز: انتشارات احرار تبریز.
۳۲. محبتی، مهدی. (۱۳۸۰). *بدیع نو: هنر ساخت و آرایش سخن*، چ ۱، تهران: سخن.
۳۳. نعمانی، شبلی. (۱۳۶۸). *شعرالعجم*، تهران: دنیای کتاب.
۳۴. هاشمی خراسانی، ابو معین حمیدالدین حجت. (۱۳۷۲). *مفصل شرح مطول*، ج ۷ و ۸، چ ۱، قم: نشر حاذق.